

بررسی تفکر در اسلام

حمزه منصوری

دبیر آموزش و پرورش شهرستان لامرد - فارس
www.zahrasadat31@gmail.com

چکیده

سابقه و هدف: حیات عقلانی انسان هم خودش مرحله ای از کمال است و هم زیر ساخت حیات عرفانی و فاز نهایی کمال و سعادت انسان می باشد. با این توضیح اهمیت تفکر کاملاً روشن می شود. هدف بررسی تفکر در اسلام است. مواد و روشها: مطالعه حاضر از نوع توصیفی تحلیلی است و پس از بررسی مفاهیم با ارائه نتایج به پیشنهادات کاربردی پرداخته شده است. روش تحقیق حاضر توصیفی و روش گردآوری اطلاعات آن، کتابخانه ای است. بدین صورت که از منابع کتابخانه ای نظیر: کتاب، مقاله، منابع خارجی و ... و آموخته های محقق استفاده شده است. یافته ها: از نظر این پژوهش روی این سیستم عقلانیت و تفکر زیربنای حرکت تکاملی انسان در مسیر دین و بندگی خداوند تلقی می شود و کسی در مرحله سلوک عرفانی موفق می شود که از وادی عقلانیت گذر کرده و عقل خود را کامل نموده است..

نتیجه گیری: از مباحث ایراد شده نتیجه گرفته می شود که اندیشه و تفکر یکی از مقدس ترین سرمایه های انسان، و از ویژگیهای بارز او است که وی را از انواع حیوان ممتاز می سازد. انسان یک موجود عاقل و متفکری است که قدرت دارد در مسائل مختلف بیاندهد. عقل ابزاری است که بواسطه آن می تواند آینده روشنی را برای خویش ترسیم نموده و سرنوشت خوب و درستی را برای خود بیافریند.

کلیدواژه ها: انسان، عقلانیت و تفکر، دین و بندگی خداوند.

مقدمه

حقیقت کمال و رشد انسان به میزان تفکر او بستگی دارد. تعقل و تفکر ناشی از استعداد فطری و ذاتی بشر است، بنابراین انسان در راه استفاده از این ابزار ذاتی حتما باید آزاد باشد؛ چرا که هیچ قدرتی نمی تواند جلوی امر ذاتی و درونی را بگیرد. هر چند می توان جلوی رشد آن را گرفت و حتی منحرفش کرد؛ ولی نمی توان به طور کلی انسان را از این نعمت بی بهره ساخت، و جلوی آزادی تفکر او را گرفت. در هر صورت انسان می تواند در هر مسئله ای که استعداد آن را دارد فکر کند و از راه علمی و استدلال عقلی آن مسئله را بشناسد. [۱].

به قول شهید مطهری، آزادی تفکر ناشی از استعداد انسانی بشر است که می تواند در مسائل بیندیشد. این استعداد بشری حتما باید آزاد باشد. هر مکتبی که به ایدئولوژی خود ایمان و اعتقاد داشته باشد، به ناچار باید طرفدار آزادی اندیشه و تفکر باشد، و به عکس، هر مکتبی که ایمان و اعتقادی به خود ندارد جلوی آزادی اندیشه را می گیرد، این گونه مکاتب ناچارند مردم را در یک محدوده خاص فکری نگه دارند و از رشد افکارشان جلوگیری کنند [۲].

مواد و روشها

پژوهش حاضر یک پژوهش کاربردی است که با استفاده از روش پژوهش کیفی از نوع تحلیل محتوای استقرایی انجام گردیده است. در این مطالعه برای استخراج و تدوین مطالب از روش سه سو سازی استفاده گردید؛ یعنی مطالعه با بهره گیری از پژوهشهای مربوط و مبانی نظری انجام شد. این روش تحقیق از نوع روش تحقیق نظری است که با روش تحلیل محتوا و با رویکرد کیفی انجام گرفته است. ابزار جمع آوری اطلاعات، فیشهای برداشت شده از کتب گوناگون و از طریق مطالعه کتابخانه ای بوده است. قلمرو تحقیق، کلیه منابع اصلی و دست اول و همچنین منابعی بوده است که دیگران به صورت نقد در خصوص آنها تدوین نموده و به زبان های انگلیسی و فارسی بوده است. در این مورد محقق به سراغ منابع اولیه و کتاب ها، آثار و نوشته های دست اولی که به طور مستقیم و غیر مستقیم به موضوع اشاره نموده رفته است. بر اساس تحلیل منابع، یافته های پژوهش را ارائه داده است و در نهایت این یافته ها را مورد بحث قرار داده است. شیوه انتخاب منابع که مبنای تحلیل قرار گرفته است، عمدتاً اصالت منبع، موثق بودن و مرجعیت نویسنده یا نویسندگان بوده است. همچنین قابلیت دسترسی به منابع نیز وجهه نظر قرار گرفته است و در پایان به جمع بندی و نتیجه گیری بحث می پردازیم.

مبانی نظری**اسلام و آزادی تفکر**

در تعالیم اسلامی، اندیشه به جهت اهمیتی که دارد به عنوان حق مسلم و امر واجب تلقی، و از آن به بزرگ ترین و مهم ترین عبادتها یاد شده است. از نظر اسلام، ایمان کامل و حقیقی، ایمانی است که بوسیله تدبر و تعقل صحیح، به دور از هر گونه تاثیرپذیری از عوامل خارجی نظیر عادات و رسوم و تقلیدها بنا شده باشد. از این رو تقلید در اصول دین را جایز ندانسته، آن را یک مسئله علمی، فکری و عقلی توصیف می کند و می گوید برای هر مسلمانی واجب است آزادانه از راه تفکر، دلیلی برای پذیرش اصول دین خود داشته باشد. [۳].

حدود آزادی اندیشه در اسلام

در جهان بینی اسلامی اندیشه و تفکر از نظر ارزش به تفکر مثبت و منفی تقسیم می گردد. تفکر برای شناخت خدا، قدرت الهی، معاد و جهان آخرت، ملکوت آسمانها و زمین و نعمتهای بی کران الهی، و ... که باعث رشد فکری و معنوی انسان می گردد، از اندیشه های مثبت و سازنده ای است که اسلام بر آن تاکید فراوان دارد. با مراجعه به متون اسلامی درمی یابیم که در اسلام عزیز اندیشیدن و تفکر، در واقع ابزاری برای تعمیق باور به توحید و شناخت درست و عمیق نظام آفرینش و استفاده معقول و پسندیده از آن در راه خیر و سعادت و کمال مطلوب است. بنابراین، مرز آزادی اندیشه از نظر اسلام تا جایی است که به کفر و الحاد و توطئه علیه دین و مذهب نگراید. در یک کلام هر اندیشه ای که باعث دوری انسان از خداوند شود؛ اندیشه باطل و مطرود است. [۴].

در برابر این اندیشه های سازنده و سالم، اندیشه های باطل و ویرانگر قرار دارد. تفکر برای مقاصد نفسانی و شیطانی مانند تسلط بر انسانها و بهره کشی از آنان، ظلم و جور و بی عدالتی، شهوت رانی و ارضای تمایلات حیوانی، ایجاد و ترویج فحشا و فساد در جامعه، از بین بردن اصول و ارزشهای انسانی، ایجاد اختلاف و نزاع بین مسلمین، توطئه علیه دین، تفسیر ناصحیح از دین برای انحراف افکار (تحریف دین)، از بین بردن حقوق مردم، جلوگیری از حق و عدالت و خلاصه هر آنچه که باعث گمراهی انسان و دوری وی از خدا و دین و معنویت می شود، از اندیشه های باطل و ویرانگر است. از نظر اسلام این نوع تفکر باطل و گمراه کننده، محکوم و مردود است. [۵].

جایگاه تفکر در اسلام

حضرت امام خمینی (رحمه الله) در تعریف تفکر ابتدا به همان تعریف کلی و منطقی آن اشاره می کنند و تفکر را فرایندی می دانند که در طی آن سلسله ای از امور معلوم و مشخص در کنار هم قرار می گیرند تا امری مجهول را، واضح و روشن ازند(شرح چهل حدیث، ص، ۱۹۱) که این همان تعریف حکمایی چون ابن سینا است. اما برای تعریف اخلاقی آن، تعبیر خواجه عبدالله انصاری را بهترین تعبیر معرفی می کنند:

خواجه عبدالله انصاری قدس سره می گوید: تفکر جستجو نمودن «بصیرت» است - که چشم قلب است- برای رسیدن به مقصود نتیجه، که غایت کمال، آن است و معلوم است مقصد و مقصود، سعادت مطلقه است که به کمال علمی و عملی حاصل آید. (آداب الصلوه، ص ۲۰۴).

بنابراین حضرت امام (رحمه الله) با اعراض از تعریف منطقی، اندیشیدن در هر موضوعی را تفکر ممدوح و سفارش شده نمی دانند؛ بلکه مطلوب و هدف اندیشه باید امری شایسته و مفید و در پی یافتن راهکارهای علمی و عملی در جهت کسب سعادت دنیا و آخرت باشد.

به طور کلی سیستم اطلاعات هر شاخه ای از علوم و اطلاعات چه بشری و چه الهی به صورت هرمی است و در حالت هرمی اطلاعات دو نوع اطلاعات دامنه ای و قله ای وجود دارد. شود [۶].

در اسلام به عنوان یک مکتب الهی نیز دو نوع اطلاعات داریم. ۱- اطلاعات جزئی که در دامنه هرم قرار می گیرند و بیشتر از جنبه های تاکتیکی و یا تکنیکی برخوردارند. ۲- اطلاعات کلی که در راس هرم جایگاه دارند و قانون و اندیشه استراتژیکی مسلط و کلی حاکم بر تمامی اطلاعات اعتقادی، اخلاقی و عملی را بیان می کنند. [۷].

جایگاه تفکر در قرآن:

در قرآن کریم آیات متعددی وجود دارد که انسان ها را به اندیشه و تعقل فراخوانده است. و در بسیاری از آیات خود، متفکران، اندیشه وران و آنان که در مقام فهم واقعیات و شکل گیری از آن واقعیات هستند را به بهترین صورت، تمجید کرده است و آنان را که از حقیقت گریزانند، سخت مورد نکوهش قرار داده است. از جمله محورهای اساسی که قرآن انسان را به تفکر در مورد آنها تشویق می کند، عبارتند از:

۱- تفکر در جهان خلقت

«ان فی خلق السموات والارض و اختلاف الليل والنهار لآیات لا ولی الا للباب --- همانا در خلقت آسمان ها و زمین و رفت و آمد شب و روز، نشانه هایی از (حکمت) است برای خردمندان که بیندیشند. «(آل عمران: ۱۹۰)

۲- تفکر در احکام و آیات الهی

«کذلک یبین الله لکم لآیات لعلکم تتفكرون --- خداوند آیاتش را به روشنی بیان می کند، باشد که شما در آن تفکر و تعقل کنید. «(بقره: ۲۱۹)

۳- تفکر در تحولات تاریخی

اطلاع از تحولات ملت های گذشته و انگیزه ها و عواملی که باعث پیشرفت یا عقب ماندگی آنان شده، عقل انسانی را پرورش می دهد، لذا قرآن سفارش می کند:

«قل سيروا فی الارض ثم انظروا کیف کان عاقبه المکذبین --- بگو: روی زمین گردش کنید؛ سپس بنگرید سرانجام تکذیب کنندگان آیات الهی چه شد؟!» (انعام: ۱۱) [۸].

تفکر از منظر روایات:

در روایات معصومین (ع) و سخنان گهربار ایشان، مطالب بسیار ارزشمندی در باب تفکر بیان شده است.

۱- فضیلت تفکر در روایات

امام صادق (ع) می فرماید: «بیشترین عبادت ابوذر، تفکر و عبرت گرفتن بود.» (خصال، ص ۴۲)

امیر مؤمنان (ع) نیز یکی از خصوصیات بارز مؤمن را تفکر او در جوانب کارها می داند:

«المؤمن ... مغمور بفکرته --- مؤمن در افکار خویش غوطه ور است. « (نهج البلاغه، ص ۵۳۳، حکمت ۳۳۳)

و در جایی دیگر شأن و منزلت عقل به عنوان قوه تفکر را بیشتر از دین و حیا می داند:

جبرئیل بر آدم (ع) وارد شد و گفت: ای آدم! من مأمور شدم که تو را بین سه چیز اختیار دهم تا یکی از آن سه چیز را انتخاب کنی و دو تا را رها کنی و آن سه چیز، عقل حیا و دین است. آدم (ع) گفت: من عقل را اختیار کردم. جبرئیل به حیا و دین

گفت: برخیزید و عقل را واگذارید، آن دو گفتند: ای جبرئیل! ما مأمور شدیم با عقل باشیم هر کجا باشد، گفت: پس شما به

همراه عقل باشید و خود عروج کرد و به آسمان رفت. (الکافی، ج ۱، ص ۱۰، ح ۲)

این حدیث نورانی بیانگر آن است که هر کجا عقل باشد، حیا (دوری از گناه) و دینداری و عبادت نیز هست، اما در عبادت و

دینداری، ممکن است تعقل نباشد، در حالی که ارزش هر عبادت و دیانتی به میزان عقل فرد است.

۲- اشاره به موضوع تفکر در روایات

در قبل اشاره شد که هر تفکری ممدوح و پسندیده نیست، بلکه ارزش تفکر به موضوع آن و نتایج حاصل از آن است. علاوه بر

کتاب آسمانی ما که بسیاری از موضوعات تفکر را در پیش روی انسان قرار می دهد، روایات معصومین (ع) نیز در این زمینه نقش

بسیاری دارند؛ از آن جمله:

امیر مؤمنان (ع) می فرماید: «لاعباده کالتفکر فی صنعه الله --- هیچ عبادتی مانند تفکر و مطالعه در مصنوعات (آفریده های)

الهی نیست. « (بحار الانوار، ج ۱، ص ۸۸، ح ۱۳)

امام صادق (ع) با فضیلت ترین تفکر را، تفکر در اسما و صفات خدا می داند، نه در چگونگی ذات او: «افضل العباده إدمان التفکر

فی الله و فی قدرته --- بهترین عبادت تفکر و اندیشه در بزرگی خدا و اسما و صفات او و بزرگی او است. « (الکافی، ج ۲، ص ۵۵،

ح ۳) از امام صادق (ع) درباره حدیث «یک ساعت تفکر، از عبادت یک شب بهتر است. « سؤال و توضیح خواسته شد، ایشان

فرمودند: «بیم بالخربه او بالدار فیقول: این ساکنوک؛ این بانوک، ما لک لا تتکلمین (معنای این تفکر یعنی اینکه) اگر از ویرانه یا

خانه ای عبور کرد، بگوید: آنان که در تو ساکن بودند، آنان که تو را ساختند، کجایند؟ تو را چه می شود؟ چرا سخن نمی

گویی؟! « (همان، ص ۵۴، ح ۲)

۳- نتایج تفکر در روایات

امیر المؤمنین (ع) می فرماید: «التفکر يدعو إلى البر و العمل به --- اندیشه و فکر، انسان را به نیکویی و عمل به آن می کشاند.

« (الکافی، ج ۲، ص ۵۵، ح ۵)

در نتیجه، هر فکری سازنده نیست و سعادت انسان را تأمین نمی کند؛ بلکه تنها اندیشه ای که انسان را به قرب الهی برساند،

سعادت او را فراهم می کند و عبادت است.

با تفکر صحیح است که انسان از خواب غفلت بیدار می شود و تفکر صحیح است که سعادت انسان را تضمین می کند.

امیر المؤمنان علی (علیه السلام) فرمودند: «نبه بالتفکر قلبک؛ دل خود را با اندیشه، آگاه نما» (نقل از کتاب شریف چهل حدیث

امام خمینی، رضوان الله تعالی علیه، ص ۱۸۹)

هرمقدار که تفکر راهگشائی بیشتری داشته باشد ثواب بیشتری دارد بنابراین تفکر، دارای درجات و مراتبی است که هر مرتبه ای که بالاتر است ثواب بیشتری دارد گاهی یک لحظه تفکر یک هفته انسان را جلو می اندازد گاهی یک ماه، گاهی یکسال و گاهی یک عمر، هر چه عمیق تر باشد حرکت و پیشرفت بیشتری بوجود می آورد. [۹].

توصیه اسلام به تفکر کردن

یکی از نعمت های که می تواند هم سبب شقاوت طرف شود و هم می تواند سبب عاقبت بخیری شخص باشد، نعمت عقل و تفکر است. اگر بتوان از این نعمت در مسیر درست و الهی استفاده کرد سبب پیشرفت و سعادت خواهد شد. اما اگر از آن استفاده نکرده و یا در مسیر اشتباه استفاده کنید سبب شقاوت و گرفتاری خواهد شد. بزرگترین نعمتی که خداوند به انسان داده و او را متمایز از سایر مخلوقات کرده، فکر و اندیشه است. این فکر و اندیشه، وسیله ای است برای پوشاندن عیب ها و نقص های بشر و آینه ای برای نشان دادن خوبی ها است. افرادی که از تفکر خود استفاده می کنند به صلاح، رستگاری و خوشبختی می رسند. در این دنیا چیزی ارزشمندتر از تفکر نیست، از رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده است: یک ساعت تفکر بهتر از یک سال عبادت است و تنها کسی به این مقام می رسند که خداوند آنان را به نور معرفت و توحید ویژگی داده باشد. [۱۰].

اهمیت اسلام به تفکر

اسلام به پیروان خودش سفارش دارد که دائماً به احوال و امورات خود تفکر کند و غافل نباشد تا در دام دنیا گرفتار گردد. هدف اسلام این است که تربیت شدگان این مکتب اهل تفکر صحیح داشته باشند و پیوسته در حال تفکر و تعقل باشند و عمر گران مایه خود را با کارهای بی فایده به پایان نرسانند. افراد مسلمان باید قبل از انجام دادن هر کاری به آینده ای آن بیندیشند و برای خودشان لازم بدانند که از تفکر خود به خوبی استفاده کنند. آنان که خوب فکر کردن را بخشی از زندگی خود می دانند، رابطه ی بین طرز فکر و میزان پیشرفت را درک می کنند. آن ها این را هم می دانند که برای تغییر زندگی خود، باید افکار خود را تغییر دهند و دائم در حال تفکر باشند. سیره ائمه ما بر این بود که دائماً در حال تفکر بودند. امام حسن مجتبی (علیه السلام) فرمودند: رسول خدا همواره تفکر می کرد [۱۱].

توجه: بسیاری از اختلافاتی که در بین خانواده ها، دوستان، آشنایان و همکاران وجود دارد، نشات گرفته از رفتارهای بی فکر و تدبیر است. مثال: اگر زن و شوهر قبل از رفتارها و حرف های خودشان فکر کنند و از این نعمت الهی استفاده کنند در زندگی دچار مشکل نمی شوند. اما بی فکری های آنها سبب بروز اختلافات و تنش ها در بین آنها می شود. پس بدانید که خوب فکر کردن زندگی شما را بهبود خواهد بخشید و آرامش را برای شما به ارمغان می آورد. [۱۲].

نیروهای باطنی انسان و حیات واقعی او به وسیله تفکر کردن، فعال می شود. وقتی دریچه تفکر باز شود و افکار او تقویت گردد، درک زندگی و رسیدن به حقیقت زندگی و خودش برای او آسان تر خواهد شد و به راحتی می تواند در مقابل مشکلات ایستادگی کند. چنانکه امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرمودند: اندیشیدن، زندگی دل بیناست [۱۳].

تفکر، راه رسیدن به کمال

حیات انسانی بستگی به تفکر او دارد. ما دوست داریم به سمت کمال و پیشرفت حرکت کنیم و برای رسیدن به این آرزو، باید تفکر خلاق داشته باشیم چون به وسیله تفکرات که استعداد های پنهان آدمی از قوه به فعلیت تبدیل می شوند و شما را در مسیر رسیدن به کمال قرار می دهند. به بیان امام خمینی(رحمه الله): تفکر مفتاح ابواب معارف و کلیه خزائن کمالات و علوم است و مقدمه ی لازم ی حتمیه ی سلوک انسان است. [۱۵].

قطعا افرادی که از تفکر خودشان بیشترین استفاده را دارند راحت تر می توانند به سمت کمال و پیشرفت قدم بردارند. از جمله خاصیت های اندیشه کردن این است که فرد به خوبی می تواند راه های جدیدی را برای زندگی موثر خود کشف نماید و در آن مسیر قدم بردارد و در اثر اندیشیدن است که استعدادهای نهفته در وجودش شکوفا شده و ذهن خلاق بشر بیدار می شود و به واسطه تغییرات ایجاد شده به سمت زندگی سازنده و ثمربخش می رود و در نهایت آن چیزی را که دوست دارد، کسب می کند. [۱۶].

همه ما از وجود عقل بهره مند هستیم، اما همه ما به یک اندازه از آن استفاده نمی‌کنیم. برخی هستند که خیلی کم استفاده می‌کنند و بخاطر همین در زندگی خود دچار مشکلات هستند. [۱۷].

اما گروهی دیگر [موفق] هم هستند که برای تمام کارهای خودشان از قدرت عقل و تفکر استفاده می‌کنند. این گروه همان هایی هستند که به قله افتخارات می‌رسند و دیگران آرزو می‌کنند که ای کاش همانند او بودند. امام علی (علیه‌السلام) فرمودند : اگر در تمام کارهایت اندیشه را مقدم داری، فرجام هر کار تو نیک می‌شود. [۱۸].

برای رسیدن به موفقیت باید از قدرت فکر بهره مند شوید و با استفاده از اندیشه های مثبت، کمبودهای خود را جبران کرده و تبدیل به فرصت کنید تا به اهداف عالی خویش دست یافته و بتوانید جامعه خود را با افکار و اندیشه های ارزنده آشنا سازید و باعث پیشرفت جامعه شوید. [۱۹]

سیاری از اختلافات خانوادگی، ناشی از صحبت های است که بدون تعقل و تفکر بیان شده اند و قلب های یکدیگر را جریحه دار می‌کنند. اما فرد عاقل، قبل از اینکه صحبت یا کاری انجام دهد، وضعیت طرف و عاقبت کار را مورد سنجش قرار می‌دهد و بعد از آن شروع به صحبت می‌کند. افراد عاقل می‌دانند که تفکر، مانند چتر نجات است که در سخت ترین شرایط سبب نجات یافت جان شخص می‌شود، خوب فکر کردن هم سبب نجات پیدا کردن شخص می‌شود. [۲۰].

وع دیگری از تفکر که مورد تأکید اسلام و قرآن است همانا اندیشیدن درباره آنچه است که انسان را به خدا نزدیکتر می‌کند و آن اندیشه درباره ی مخلوقات خداوند اعم از آسمانها و زمین و هر آنچه میان آنهاست ومنظور از تفکر در روایات، تفکری است که بر معرفت انسان بیافزاید و موجب ارتقا و تعالی روحی و معنوی او گردد نه تفکر درباره امور بیهوده و بی‌ثمر. بله، تفکری که معرفت را فزونی بخشد، اگر چه اندکی باشد ثمره اش بیش از ۷۰ سال عبادت بدون تفکر است. زمینه‌های تفکر را بایستی از قرآن آموخت، مثلاً: تفکر در آفرینش، تفکر در معاد، تفکر در عظمت پروردگار، تفکر در آیات قرآن [۲۱].

و این نوع تفکر است که امام صادق (ع) درباره آن می‌فرماید :

« فکر آئینه حسنات است و کفاره ی سیئات و روشنی دلها و وسعت خلق . به وسیله ی آن می‌رسد آدمی به آنچه صلاح امر معاد است ، و حاصل می‌شود اطلاع بر عواقب امور و زیادتى در علم و آن خصلتی است که هیچ عبادتی مثل آن نیست .» [۲۲]

بنابراین آنچه گفته شد اینکه انسان بیندیشد و در خلقت منظم و بی‌عیب و نقص جهان آفرینش تدبیر کند و نیز در وجود خود سیر کند ، خود را بشناسد و بداند که چه گوهر وجودی دارد از هر آنچه بدی و ناراستی گریزان می‌شود و تنها سر به آستان حق می‌ساید و در همه حال بندگی و پرستش معبود را بر هر چیزی ترجیح می‌دهد .

«الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ»

همانها که خدا را در حال ایستاده و نشسته، و آنگاه که بر پهلو خوابیده‌اند، یاد می‌کنند؛ و در اسرار آفرینش آسمانها و زمین می‌اندیشند؛ (و می‌گویند): بار الهها! اینها را بیهوده نیافریده‌ای! منزه‌ی تو! ما را از عذاب آتش، نگاه دار! [۲۳].

علامه طباطبای نیز می‌فرماید: جهان آیت حق است، بنابر این انسان باید به جایی برسد که همان گونه که وقتی به آئینه نگاه می‌کند محو در تصویر می‌شود و نظرش به خود آئینه جلب نمی‌شود. وقتی هم که کوه و در و دشت و درخت و سبزه و گل‌ها را دید یا پرندگان رنگارنگ یا حیوانات متنوع و ... را مشاهده نمود از آن همه کمال و زیبایی محو در جمال حق شود و خصوصیات آن اشیاء نظر او را جلب نکنند، بلکه جهان را آینه جمال حق ببینند. به هر حال تفاوت مردان خدا و افراد دیگر در همین است که آنها وقتی در آسمان سیر می‌کنند، یا در زمین سیاحت می‌کنند، یا در دریا شناورند، یا به زیر دریا می‌روند، همه جا خدا را می‌بینند و ذکر و شکر خدا بر زبانشان جاری است ولی دیگران با بی‌اعتنایی فقط به زیبایی و نظم طبیعت چشم دوخته و خدایی برایشان مطرح نیست. برخی وقتی کنار دریا می‌روند فقط امواج چشم آنها را خیره می‌سازد ولی گروهی از ورای امواج، اصل آن آب و ژرفای دریا را مشاهده می‌کنند. زهی خسارت که انسان از نعمت‌های خدا فقط لذت ببرد، ببوید و بنوشد و اشباع شود، اما هرگز به یاد منعم و آن کسی که لحظه به لحظه تدبیر آن همه نعمت و هستی را رقم زده نباشد. [۲۴].

در ده ها آیه نشانه های خود را به غرض به تفکر واداشتن مردم بیان می کند. تعبیری چون: (لعلهم یتفکرون، لعلکم تتفکرون، افلا تتفکرون، لقوم یتفکرون) و یا تعبیری چون: (افلا تعقلون، افلم تکنونوا تعقلون، لعلکم تعقلون، ان کنتم تعقلون، لقوم یعقلون، افلا یعقلون) که هر یک از آنها چندین بار تکرار شده است. مطالعه این آیات دو مطلب را به ما آموزش می دهد: اول: اسلام بر خلاف آنچه درباره مسیحیت گفته می شود انسان را به تفکر و تعقل دعوت می کند و ایمان را بر پایه آن می داند. دوم: موضوعاتی را که از دیدگاه قرآن شایسته تفکرند بیان می کند. شما می توانید با مطالعه آیات مذکور پی ببرید که قرآن تفکر در چه موضوعاتی را توصیه کرده است.

این موضوعات را می توان از دیدگاه قرآن به دو بخش کلی تقسیم کرد به نام: (۱) آیات انفسی (خودشناسی) (۲) آیات آفاقی. که عبارت است از: جهان شناسی، تاریخ شناسی و آگاهی از سنن و نظامات الهی در طبیعت تاریخ، فرجام شناسی، راهنماشناسی، راه شناسی و غایت همه این امور ((خداشناسی)) است.

روش تفکر: قرآن کریم روش تفکر صحیح را به طور کلاسیک به انسان آموزش نداده است زیرا انسان ها به فطرت خود قادر به تفکر هستند. منطقی ها تفکر انسان را دارای دو عنصر اساسی می دانند:

۱- مواد تفکر: یعنی دانسته هایی که انسان از قبل آموخته است و می خواهد توسط آنها به مطالب جدیدی دست یابد. [۲۵]. تفکر و اندیشه انسان در خویش که چگونه خلق شده است و خلقت او از چه دقایق و ظرافتی و از چه قوت وضعی بر خوردار است. قرآن می فرماید: افلم یتفکروا فی انفسهم؛ آیا آنان در وجود خویش اندیشه نمی کنند؟

ب) تفکر در کرات فضا و آسمان ها و خلقت گردش فاصله آنها و... که مسلم اندیشیدن در این امور دانش و فرهنگ انسان را بالا برده و رشد می دهد و این امر را خداوند از صفات انسان های مؤمن می شمارد. [۲۶].

اندیشیدن در مورد گذشتگان (جوامع و افراد موفق و یا شکست خورده) خود درسی فراموش نشدنی و سازنده است. پرورگار به رسولش حکایت آنان را بیان می کند و سپس امید ایجاد تفکر در شنوندگان ایجاد می نماید: فاقصص القصص لعلهم یتفکرون؛ حکایت کن داستان و قضایای گذشتگان را شاید به تفکر و اندیشه بنشینند نگاه کنی عاقبت دروغ گوین چگونه است؟ و در جای دیگر می گوید: فانظروا کیف کان عاقبه المکذبین و موارد بسیار دیگری در قرآن آمده است که باید تفاسیر را در این زمینه مطالعه کرد.

و در بعضی از روایات آمده است: اذا قدمت الفکر فی جمیع افعالک حسنت عواقبک؛ هر کاری را که قبل از انجام آن تفکر کنی نتایج زیبایی در پی خواهد داشت [۲۷].

بحث و نتیجه گیری

از مباحث فوق نتیجه گرفته می شود که دین اسلام که راه رشد و سعادت انسان است، آمیزه ای از آموزه های عقلانی و آموزه های عرفانی است. انسان هم آمیزه ای از عقل و احساس است. پس اولاً این دو با هم هماهنگ هستند و ثانیاً انسان با پیمودن دو راه عقل و راه عشق و عرفان به کمال و سعادت می رسد. تفکر ابزار اصلی پیمایش راه عقل و تقویت عقلانیت در انسان است. یعنی انسان در فاز اول کمال که همان تقویت عقلانیت و سلوک عقلانی است، با ابزار تفکر پیش می رود و به کمال عقلانی می رسد و بعد در فاز دوم یا در کنار سلوک عقلانی به سلوک عرفانی و معنوی می پردازد و به کمال نهایی و سعادت دست می یابد.

منابع و مأخذ

- [۱] آقازاده، محرم (۱۳۹۶) کلیدهای تفکر، مجله رشد تفکر کلاس درس، شماره ۳، آذر
- [۲] آقازاده، محرم (۱۳۹۹) نگاهی به شاخص های کلاس درس استاندارد، مجله رشد تفکر کلاس درس، سال دوم، شماره ۹.
- [۳] بهرنگی، محمدرضا، (۱۳۹۷) تفکر آموزشی و آموزشگاهی، تهران، ناشر مولف.
- [۴] پارکینسون، نورث، کوت، سائیز. (۱۳۹۹). اندیشه های بزرگ در تفکر. ترجمه مهدی ایران نژاد پاریزی. تهران، مرکز آموزش بانکداری ملی ایران.

- [۵] پرهیزکار، کمال، (۱۳۹۸) تفویض‌های تفکر، تهران، انتشارات آگاه.
- [۶] تورانی، حیدر، (۱۳۹۷) تفکر فرآیندمدار در کلاس درس، تهران، نشر افراز
- [۷] تورانی، حیدر، (۱۳۹۸) کیفیت بخشی آموزش و پرورش دوره ابتدایی ...، تهران، انتشارات مروارید.
- [۸] جاسبی، عبدالله (۱۳۹۸)، اصول و مبانی تفکر، دانشگاه آزاد، تهران.
- [۹] دسلر، گری. مبانی تفکر، ترجمه، داوود مدنی. (۱۳۹۸). تهران، انتشارات آراین.
- [۱۰] رضایان، علی، (۱۳۹۹) مبانی سازمان و تفکر، تهران، انتشارات سمت
- [۱۱] شریعتمداری، علی (۱۳۹۷)، جامعه و تعلیم و تربیت، چاپ هفتم، امیرکبیر، تهران.
- [۱۲] شوجی، شیبا، رویکرد نوین تفکر کیفیت در آمریکا، مترجم اقدسی، محمد، (۱۴۰۰) تهران، نشر آییژ
- [۱۳] شیرازی، علی (۱۳۹۳)، تفکر آموزشی، جهاد دانشگاهی، مشهد.
- [۱۴] باقری، احسانه، (۱۳۷۹) داستانهای فکری، ترجمه، فیلیپ کم، انتشارات امیر کبیر.
- [۱۵] باقری، خسرو، (۱۳۷۵) اندیشه های نوین تربیتی، انتشارات هستی.
- [۱۶] پارسا، محمد (۱۳۷۲) روان‌شناسی یادگیری (بر بنیاد نظریه‌ها)، تهران، بعثت، چاپ دوم.
- [۱۷] پاول هنری ماسن و دیگران، رشد و شخصیت کودک، مترجم مهشید یاسایی، (۱۳۷۳) تهران، انتشارات سعدی، چاپ هفتم.
- [۱۸] توانگر، زهرا (۱۳۸۲) رابطه سبک های تفکر و عملکرد، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- [۱۹] جهانی، جعفر، (۱۳۷۹) رابطه سبک های تفکر و خلاقیت، دانشگاه شیراز.
- [۲۰] جهانی، جعفر، (۱۳۸۲) برنامه فلسفه برای کودکان و رشد اخلاقی، وزارت علوم.
- [۲۱] راینکیه، مارک ای و داتلیو، فرانک ام و آرتور فریمن، شناخت درمانی در کودکان و نوجوانان، ترجمه‌ی جواد علاقیند راد، حسن فرهی (۱۳۸۰) انتشارات بقعه.
- [۲۲] ریو، جان مارشال، انگیزش و هیجان، ترجمه‌ی یحیی سید محمدی (۱۳۷۶) نشر ویرایش.
- [۲۳] سیف، سوسن و دیگران (۱۳۷۷) روان‌شناسی رشد، تهران، سمت، چاپ هشتم، ج ۱.
- [۲۴] سیف، علی‌اکبر (۱۳۷۸) روان‌شناسی پرورشی، تهران، آگاه.
- [۲۵] سیف، کدیور، کرمی و لطف آبادی، (۱۳۷۳) روانشناسی رشد، ویرایش دوم، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها.
- [۲۶] سی کرین، ویلیام (۱۹۹۷)، پیشگامان روانشناسی رشد، ترجمه‌ی دکتر فرید فدایی (۱۳۶۷)، انتشارات اطلاعات، چاپ اول .
- [۲۷] شفیع‌آبادی، عبدالله و ناصری، غلامرضا (۱۳۸۵) نظریه‌های مشاوره و روان‌درمانی، تهران، نشر دانشگاهی، چاپ دوازدهم.